

Criteria for Correct Money Creation by Commercial Banks from a Sharia Perspective

Mohammad Talebi / Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadeq University
mohammad63.mt@gmail.com

Sadeqh Elham / Assistant Professor, Faculty of Theology, Islamic Studies and Guidance, Imam Sadeq University
elham.sadeqh@gmail.com

 **Mohammad Amin Salavatian** / PhD Student, Islamic Studies and Finance, Banking Department, Imam Sadeq University
masalavatian@yahoo.com

Received: 2025/05/22 - **Accepted:** 2025/08/25

Abstract

Commercial bank money creation is one of the issues that economists and financial scientists have addressed from various angles. Some are against it and believe in its negative consequences for the economy, while some are in favor of money creation and believe in its numerous benefits. Islamic financial scientists have also examined this phenomenon with an emphasis on Sharia criteria. This research seeks to determine whether the commercial bank money creation can be permissible in Islamic law? And under what circumstances may money creation be contrary to Sharia and prohibited. The present study uses a descriptive-analytical method and interviews with Islamic finance experts to evaluate the opinions of financial and banking scholars on money creation. Based on the findings of the study, the opinion of opponents of money creation, due to two reasons: “lack of sufficient knowledge of the process of money creation by commercial banks” and “considering a specific form of money creation” such as creating money without rules, cannot be the basis for rejecting the principle of money creation from a Sharia perspective; therefore, it should be considered in detail. The present study introduces seven criteria for correct money creation by commercial banks.

Keywords: Commercial bank money creation, Islamic criteria for money creation, Islamic economics, Advantages and disadvantages of money creation, Jurisprudential dimensions of money creation.

JEL classification: G21, E42, E59.

ضوابط خلق پول صحیح توسط بانک تجاری از منظر شرعی

mohammad63.mt@gmail.com

elham.sadegh@gmail.com

محمد طالبی / دانشیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق

صادق الهام / استادیار دانشکده الهیات معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق

محمد امین صلواتیان  / دانشجوی دکتری رشته معارف اسلامی و مالی گرایش بانکداری دانشگاه امام صادق

masalavatian@yahoo.com

دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۱ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳

چکیده

خلق پول بانک تجاری یکی از موضوعاتی است که اقتصاددانان و دانشمندان مالی از زوایای متعددی به آن پرداخته‌اند. برخی مخالف و قائل به پیامدهای منفی آن برای اقتصاد و برخی موافق خلق پول و قائل به منافع متعدد آن هستند. دانشمندان مالی اسلامی نیز با تأکید بر معیارهای شرعی این پدیده را بررسی کرده‌اند. این پژوهش به دنبال آن است که آیا ذات خلق پول بانک تجاری می‌تواند شرعی باشد؟ و در چه شرایطی خلق پول ممکن است مغایر با شرع و ممنوع باشد. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و مصاحبه با خبرگان مالی اسلامی اقدام به ارزیابی نظرات دانشمندان حوزه مالی و بانکداری در زمینه خلق پول می‌کند. بر اساس یافته‌های پژوهش، نظر مخالفان خلق پول به دو دلیل «عدم شناخت کافی فرایند خلق پول بانک تجاری» و «در نظر گرفتن حالت خاصی از خلق پول» مانند خلق پول بدون ضابطه نمی‌تواند مبنای رد اصل خلق پول از منظر شرعی باشد؛ لذا باید قائل به تفصیل بود. پژوهش حاضر هفت معیار را برای خلق پول صحیح توسط بانک تجاری معرفی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: خلق پول بانک تجاری، ضوابط خلق پول از منظر اقتصاد اسلامی، اقتصاد اسلامی، مزایا و معایب

خلق پول، ابعاد فقهی خلق پول.

طبقه‌بندی JEL: G21, E42, E59

مقدمه

یکی از موضوعات مهم در بانکداری تجاری، مسئله خلق پول است. فارغ از قرائت یا رویکرد در تبیین عملیات بانکداری تجاری، بانک تجاری با استفاده از سازوکارهای متعددی نسبت به خلق یا عرضه پول در نظام اقتصادی اقدام می‌کند. به‌طور مشخص سه رویکرد یا قرائت نسبت به بانک تجاری و خلق پول توسط آن به شرح ذیل وجود دارد (Werner, 2014, p.1-2).

۱. در رویکرد نخست، بانک تجاری واسطه مالی یا نهاد مالی است که منابع مالی را بین دو طرف عرضه‌کننده منابع مالی و متقاضی آن منتقل می‌کند؛

۲. رویکرد دوم بر اساس ضریب فزاینده پولی است. بر اساس این رویکرد بانک تجاری پس از جذب سپرده از مشتریان درصدی از آن (نرخ ذخیره قانونی) را نزد بانک مرکزی سپرده‌گذاری می‌کند و سپس مابقی آن را به اشخاص دیگر تسهیلات می‌دهد. تسهیلات پرداختی توسط بانک مجدداً سپرده‌گذاری می‌شود و بانک مشابه آنچه که بیان شد، درصدی از آن را نزد بانک مرکزی سپرده‌گذاری می‌کند. ادامه این روند موجب افزایش سطح کل سپرده‌ها در شبکه بانکی می‌شود. به بیان دیگر، بر اساس این سازوکار خلق پول توسط بانک تجاری صورت می‌پذیرد؛

۳. رویکرد سوم که رویکرد نوین به خلق پول توسط بانک تجاری است، بانک تجاری می‌تواند بدون جذب سپرده از مشتریان و بدون محدودیت ناشی از تعیین نرخ ذخیره قانونی توسط بانک مرکزی نسبت به خلق پول اقدام کند. دانشمندان مالی متعارف و مالی اسلامی در پژوهش‌های متعددی به خلق پول توسط بانک تجاری پرداخته‌اند. پژوهش‌های مزبور به مزایا، معایب و پیامدهای خلق پول توسط بانک تجاری اشاره کرده‌اند. برخی از دانشمندان موافق خلق پول و برخی مخالف خلق پول توسط بانک تجاری در نظام مالی و اقتصادی هستند. کمک به رشد اقتصادی، تأمین مالی بخش‌های مختلف اقتصاد و صنعت، کمک به کارآفرینی، ایجاد اشتغال از جمله مزایای خلق پول توسط بانک تجاری است که دانشمندان مالی بدان اشاره کرده‌اند. از طرف دیگر، بی‌ثباتی مالی و اقتصادی، افزایش حجم پول و نقدینگی که عامل تورم و گرانی است و نابرابری در اقتصاد، معایب و دلایلی است که در مخالفت با خلق پول توسط بانک تجاری توسط دانشمندان مالی و اقتصاددانان متعارف مطرح شده است. از طرف دیگر، در بین دانشمندان و پژوهشگران مالی اسلامی، خلق پول با دلایل شرعی از جمله اکل مال به باطل، ربوی، ضرری و غصبی بودن، غیرمشروع و ممنوع تلقی گردیده است.

پژوهش حاضر به دنبال بررسی و نقد آرای دانشمندان مالی (اعم از مالی متعارف و مالی اسلامی) در خصوص خلق پول است و در ادامه چارچوبی برای شناسایی خلق پول صحیح توسط بانک تجاری ارائه می‌دهد؛ از این‌رو در ابتدای پژوهش با بهره‌گیری از منابع علمی و مطالعات صورت‌گرفته پیرامون خلق پول توسط بانک تجاری به تبیین نظرات دانشمندان و نقد و ارزیابی آنها می‌پردازد. برای این منظور، در ابتدا نظریات دانشمندان مالی متعارف

پیرامون خلق پول تبیین می‌گردد و سپس نظریات و آرای پژوهشگران مالی اسلامی اشاره می‌شود. بررسی دیدگاه‌های دانشمندان مالی مخالف خلق پول نشان می‌دهد استدلال‌های مطرح‌شده در مخالفت یا لزوم ممنوعیت خلق پول به یکی از دو دلیل ذیل از نظر این پژوهش مردود است و نمی‌تواند مبنایی برای رد اصل خلق پول توسط بانک تجاری باشد.

۱. عدم شناخت کامل نسبت به خلق پول توسط بانک تجاری (رویکرد نوین از خلق پول)؛
۲. در نظر گرفتن حالت خاصی از خلق پول توسط بانک تجاری (بدون نظارت، عدم تنظیم‌گری کامل و کنترل نشده).
این دو عامل سبب شده است تا پژوهشگران مالی با مشروعیت (پژوهشگران مالی اسلامی) یا مفید بودن (پژوهشگران مالی متعارف) خلق پول توسط بانک تجاری مخالف باشند. این در صورتی است که چنانچه در نظام مالی یا اقتصادی معیارهایی مانند ضعف در سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری یا نظارت ناکافی وجود داشته باشد، موجب خلق پول بی‌ضابطه بانک تجاری می‌گردد که می‌تواند پیامدهای نامطلوبی مانند ایجاد تورم یا افزایش آن را به همراه داشته باشد. همچنین چنانچه شرایط کلان اقتصاد کشور دچار نوسانات و بی‌ثباتی باشد، موجب می‌شود تا خلق پول بانک تجاری به شکل صحیح صورت نپذیرد و معایب مورد اشاره توسط صاحب‌نظران برقرار باشد. در این شرایط خلق پول بانک تجاری پیامدها و آثار نامطلوبی را به همراه دارد که به نظر می‌رسد، نمی‌تواند شرعی تلقی شود و ممکن است مشمول عناوین فقهی مانند قاعده لاضرر ممنوع و حرام تلقی گردد.

از طرف دیگر، با فرض اینکه خلق پول توسط بانک تجاری بر اساس معیارهایی مانند کنترل و تحت نظارت بانک مرکزی بودن آن برقرار باشد، می‌تواند مزایا و کارکردهای مناسبی مانند تأمین مالی، رشد اقتصادی، رشد تولید، ایجاد اشتغال و سایر موارد مطروحه در پژوهش برای نظام اقتصادی فراهم آورد و لذا این نوع خلق پول شرعی و مفید است و می‌تواند در نظام مالی اسلامی و اقتصادی کشور مورد استفاده قرار گیرد.

۱. مروری بر موضوع‌شناسی خلق پول توسط بانک تجاری در رویکرد جدید

در ابتدا ضروری است به تعریف خلق پول اشاره شود تا مشخص شود مراد از خلق پول بانک تجاری چیست. منظور از خلق پول افزایش سطح (مانده) سپرده‌های کل شبکه بانکی است. به بیان دیگر، هر عملیات یا فعالیتی که موجب افزایش در میزان سپرده‌های کل شبکه بانکی شود، موجب خلق پول شده است (McLeay et al, 2014, p16; Ryan-Collins et al, 2012, p5; Hook, 2022, p216; Huber, 2014, p 51).
ورنر سه رویکرد را نسبت به خلق پول یا تأمین مالی بانک تجاری بیان کرده است (Werner, 2014, p.1): در رویکرد نخست، بانک تجاری واسطه مالی یا نهاد مالی است؛ نهاد مالی که منابع مالی را میان عرضه‌کننده منابع مالی و متقاضی آن منتقل می‌کند؛ در رویکرد دوم، بانک تجاری بر اساس ضریب فزاینده پولی به خلق پول اقدام می‌کند. بر اساس این رویکرد، بانک تجاری پس از جذب سپرده از مشتریان درصدی از آن (نرخ ذخیره قانونی) را نزد بانک مرکزی سپرده‌گذاری

می‌کند و سپس مابقی آن را به اشخاص دیگر تسهیلات می‌دهد. تسهیلات پرداختی توسط بانک مجدداً سپرده‌گذاری می‌شود و بانک مشابه آنچه که بیان شد، درصدی از آن را نزد بانک مرکزی سپرده‌گذاری می‌کند. ادامه این روند موجب افزایش سطح کل سپرده‌ها در شبکه بانکی می‌شود. به بیان دیگر، بر اساس این سازوکار خلق پول توسط بانک تجاری صورت می‌پذیرد (Werner, 2014, p.2; Blanchard et al, 2010, p 75-77); رویکرد سوم که رویکرد نوین به بانک تجاری و خلق پول است، تشریفات خاصی را برای خلق پول بانک تجاری بیان می‌دارد. در این رویکرد از خلق پول، بانک تجاری می‌تواند بدون جذب سپرده از مشتریان نسبت به خلق پول (افزایش سطح مانده سپرده‌های کل شبکه بانکی) اقدام کند (Ryan-Collins et al, 2012, p122, Huber, 2014, p42).

اعطای تسهیلات توسط بانک تجاری به بخش‌های مختلف اقتصادی یکی از روش‌های مرسوم خلق پول است. بانک تجاری زمانی که تسهیلات اعطا می‌کند، سمت راست ترازنامه بانک به میزان تسهیلات اعطایی دارایی اضافه می‌شود؛ همچنین به همان میزان در سمت چپ ترازنامه بانک سپرده‌های بانک افزایش می‌یابد. طبق تعریف گفته‌شده از خلق پول، افزایش میزان یا سطح سپرده در کل شبکه بانکی خلق پول است که در این فرایند محقق می‌شود. در ترازنامه وام‌گیرنده نیز به میزان تسهیلات، دارایی افزایش می‌یابد و در سمت چپ ترازنامه، بدهی به بانک تجاری ثبت می‌شود (Nektarios, 2021, p83).

خریداری اوراق بهادار توسط بانک تجاری روش دیگری از خلق پول توسط بانک تجاری است. در این روش نیز ترازنامه بانک تجاری بعد از خریداری اوراق مزبور افزایش می‌یابد. به بیان دیگر، سمت راست ترازنامه بانک تجاری که دارایی‌ها قرار دارد، به میزانی که بانک اوراق می‌خرد، در سرفصل سرمایه‌گذاری‌ها اوراق بهادار ثبت می‌شود، و در سمت چپ ترازنامه بانک به همان میزان سپرده ایجاد می‌شود (خلق پول صورت می‌پذیرد). در سمت راست ترازنامه ناشر نیز به میزانی که اوراق بهادار منتشر کرده است، سپرده افزایش می‌یابد، و در سمت چپ ترازنامه ناشر (بدهی‌ها) به میزان انتشار اوراق بهادار، بدهی ثبت می‌شود. مشابه این فرایند در خصوص خرید سایر دارایی‌ها توسط بانک تجاری (غیر از اوراق بهادار) رخ می‌دهد (McLeay et al, 2014, p24).

خلق پول در رویکرد جدید به صورت درون‌زا صورت می‌پذیرد؛ به این معنا که بانک تجاری برای خلق پول محدود به بانک مرکزی و سیاست پولی آن نیست (Pitrou, 2015, p40).

به بیان دیگر، سیاست بانک مرکزی در تعیین نرخ ذخیره قانونی که در رویکرد دوم محدودیت یا مانعی برای خلق پول محسوب می‌شود، در این رویکرد محدودیت نیست؛ چراکه اساساً بانک تجاری نمی‌تواند سپرده‌های جذب‌شده را در قالب تسهیلات به اشخاص غیربانکی واگذار نماید؛ زیرا آنچه که در سپرده‌های تجهیز شده بانک تجاری در سمت راست ترازنامه به عنوان ذخایر بانک تجاری نزد بانک مرکزی ثبت می‌شود، ذخایری است که امکان تسهیلات‌دهی به اشخاص حقیقی و حقوقی (غیر از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری) را ندارد (Rule, 2015, p7).

۲. آرای دانشمندان مالی متعارف در خصوص خلق پول توسط بانک تجاری

دانشمندان مالی متعارف از زوایای متعددی به مسئله خلق پول توسط بانک تجاری پرداخته‌اند و مزایا، معایب و پیامدهای متعددی را برای آن برشمرده‌اند. از دیدگاه برخی منتقدان، قدرت خلق پول بانک یکی از عوامل بی‌ثباتی چرخه‌های مالی و بحران‌های مالی محسوب می‌شود (Deutsche Bundesbank, 2017, p13)؛ همچنین ایجاد تورم در کلان اقتصاد کشور و آسیب‌های منبعث از آن، از جمله چالش‌هایی است که برای خلق پول توسط بانک در نظر گرفته‌اند. بررسی و ارزیابی پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته نشان از آن دارد که عمده چالش‌های خلق پول توسط بانک‌ها از منظر دانشمندان مالی متعارف، بی‌ثباتی مالی در کلان اقتصاد و افزایش تورم به دلیل افزایش نقدینگی ناشی از خلق پول است. با این حال، معایبی که از خلق پول برشمرده شده است، محدود به موارد مزبور نیست و معایب دیگری نیز توسط دانشمندان مالی متعارف احصا شده است. به عنوان نمونه، دانشمندان مالی متعارف از بُعد عدالت نیز به خلق پول پرداخته‌اند. پیتز دیچ (۲۰۲۱) در مقاله‌ای به برخی مواردی از ناعدالتی که از خلق پول بانکی حاصل می‌شود، اشاره می‌کند. وی معتقد است که وام‌های بانکی (خلق پول توسط بانک) به اشخاص حقیقی و شرکت‌ها، وام‌های بین‌بانکی، وام‌های بانک مرکزی به بانک‌های تجاری و کمک‌های مالی بانک مرکزی به برخی از بانک‌ها که به صورت انتخاب‌های مصلحتی انجام می‌پذیرد، از جمله موارد بی‌عدالتی است که بایستی مرتفع گردند. عدم خلق پول توسط بانک‌های خصوصی، از جمله پیشنهادات وی در راستای رعایت عدالت و از بین بردن نابرابری است که در پژوهش مزبور اشاره کرده است.

از طرف دیگر، برخی از دانشمندان مالی به مزایای خلق پول اشاره دارند و آن را ضروری نظام مالی و اقتصادی می‌دانند. یکی از اقتصاددانان موافق خلق پول شومپیتر است. وی معتقد است که خلق پول یا اعتبار بانک‌ها برای کلیت اقتصاد مفید است و منفعی را پدید می‌آورد (Festré and Nasica, 2009, p25). به نظر وی، بانک‌ها نقش مهمی برای کارآفرینی در اقتصاد ایفا می‌کنند و کارآفرینان به ایجاد سرمایه در اقتصاد کمک می‌کنند (Festré and Nasica, 2009, p26-27).

در واقع از منظر شومپیتر خلق پول برای کارآفرینی در اقتصاد ضروری است. کارآفرینی نیز نقش مهمی در ایجاد ارزش افزوده در نظام اقتصادی ایفا می‌کند. علاوه بر شومپیتر، هان و ویکسل نیز خلق پول یا اعتبار را نیروی محرکه و ضروری اقتصاد می‌دانستند (SEO, 2023, p19).

از منظر هان، خلق پول برای تأمین مالی و توسعه ضروری است (SEO, 2023, p17). دانشمندان مالی متعارف در عصر کنونی نیز وجود دارند. به عنوان نمونه، تسهیلات‌دهی (خلق پول بانک) موجب تسهیل در تجارت داخلی و خارجی می‌گردد و سبب می‌شود تا شرکت‌ها بتوانند کالاهای مورد نیاز خود را تأمین کنند (Stellinga et al, 2021, p52).

خالفوی و دیگران (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای نشان می‌دهند که در هر دو قرائت از خلق پول توسط بانک (قرائت خلق پول از هیچ و قرائت خلق پول از طریق ضرب فزاینده)، تأثیر مثبتی بر سودآوری بانک دارند که از طریق نسبت‌های بازده دارایی (ROA) و بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) اندازه‌گیری می‌شود (Khalfaoui and Derbali, 2021, p1175).

شمیم حسین و دیگران (۲۰۲۲) در مقاله‌ای به مباحث خلق پول در بانکداری مالزی پرداخته‌اند. ایشان بحث کرده‌اند که خلق پول اضافی توسط بانک‌های تجاری در مالزی ممکن است به تورم بینجامد و تهدیدی برای بحران مالی بالقوه کشور باشد. با این حال، در پژوهش مزبور به این نتیجه رسیده‌اند که اگر نظارت و کنترل‌های قوی از سمت بانک مرکزی مالزی بر خلق پول بانک‌ها وجود داشته باشد، خلق پول تهدیدی برای اقتصاد محسوب نمی‌شود. مشابه نتیجه این پژوهش، توسط سایرین نیز صورت پذیرفته است. به‌طور مشخص، برخی از پژوهش‌ها به مسئله نظارت در خلق پول اشاره کرده‌اند و بی‌ثباتی و مخاطرات ناشی از خلق پول را به دلیل نظارت ضعیف در نظر گرفته‌اند. به‌عنوان نمونه، موی (۲۰۱۸) خلق پول توسط برخی از «بانک‌های در سایه» که بدون مجوز فعالیت می‌کنند را یکی از عوامل مهم در بی‌ثباتی مالی در نظر گرفته است؛ اگرچه فعالیت این بانک‌ها مزایایی نیز برای اقتصاد دارد و موجب سرمایه‌گذاری‌های مفید نیز شده است (Blair, 2013, p420).

جمع‌بندی پژوهش‌های مزبور نشان از آن دارد که خلق پول توسط بانک را به‌صورت ذاتی نمی‌توان عامل بی‌ثباتی اقتصادی و مالی در نظر گرفت، بلکه عوامل متعددی از جمله نظارت ضعیف و تنظیم‌گری ناکافی می‌تواند زمینه را برای بروز معایب و پیامدهای نامناسب خلق پول فراهم آورد. به بیان دیگر، نظارت و تنظیم‌گری ضعیف موجب بی‌انضباطی بانک‌ها در خلق پول می‌شود که خود سبب بروز تورم و بی‌ثباتی‌های مالی در کلان اقتصاد می‌گردد. به‌طور مشابه، در کشورهایی که نظارت و تنظیم‌گری کامل و دقیقی نسبت به عملیات خلق پول توسط بانک‌ها وجود دارد و بانک‌ها با ضابطه نسبت به خلق پول اقدام می‌کنند، اقتصاد کلان از بی‌ثباتی و تورم مصون مانده است.

۳. آرای دانشمندان مالی اسلامی در خصوص خلق پول توسط بانک تجاری

مقوله خلق پول مورد توجه دانشمندان مالی اسلامی نیز بوده و در پژوهش‌های متعددی به آن پرداخته‌اند و ابعاد مختلف آن را بیشتر از منظر شرعی و فقهی مورد تحلیل قرار داده‌اند که ذیلاً اشاره می‌گردد.

۳-۱. ربوی بودن خلق پول

یکی از اشکالات به خلق پول توسط بانک‌های تجاری، ربوی دانستن عملیات آن است. محققان و دیگران (۱۴۰۱) به استناد ربوی بودن عملیات خلق پول، حکم به حرمت و ممنوعیت آن داده‌اند. به بیانی دقیق‌تر، از نظر ایشان به دلیل آنکه ربا به این جهت حرام است که موجب کسب ثروت از هیچ است و شخص از هیچ، صاحب ثروت می‌شود، در خلق پول نیز این فرایند وجود دارد (محققان و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۲۱۷)؛ لذا حرمت ربا در خلق پول نیز جاری و مشابه آن است.

۳-۲. ضرری بودن خلق پول

از دیگر اشکالات به سازوکار خلق پول توسط بانک‌های تجاری، ضرری بودن آن است. محققان و دیگران (۱۴۰۱) به استناد ضرری بودن عملیات خلق پول حکم به حرمت و ممنوعیت آن داده‌اند. به بیان دیگر، ایشان بر اساس قاعده فقهی لاضرر معتقدند که بانک‌ها از حق خود نسبت به اعطای تسهیلات سوءاستفاده می‌کنند و این حق را دستاویزی برای سوداگری خود و اضرار به جامعه قرار داده‌اند و با ضرر دیدن کل جامعه و اقتصاد ناشی از اعطای تسهیلات بانکی، عملیات خلق پول موجب اضرار و مطابق با قاعده لاضرر آن عملیات حرام و ممنوع است (محققان و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۲۱۴-۲۱۵).

۳-۳. اکل مال به باطل بودن خلق پول

مهم‌ترین اشکالی که دانشمندان مالی اسلامی به خلق پول بانک گرفته‌اند، اکل مال به باطل بودن است. صمصامی و کیان‌پور (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به این نتیجه دست یافتند که خلق پول توسط نظام بانکی نقض ضوابط شرعی و تحقق مشکلاتی همچون «عدم ایفای تعهدات» و «اکل مال به باطل» می‌شود. ایشان در توضیح اکل مال به باطل توسط شبکه بانکی چنین بیان می‌کنند:

نظام بانکی به عنوان یک کل، از طریق صدور وعده‌های بازپرداختی بیشتر از ذخایر نقدی به خلق پول اقدام می‌کند. بدین روی، بانک‌ها واقعاً چیزی را می‌فروشند که مالک آن نیستند. پس خلق پول توسط نظام بانکی به معنای اکل مال به باطل است (صمصامی و کیان‌پور، ۱۳۹۴، ص ۱۲۳).

عالی‌پناه و تاج لنگرودی (۱۳۹۶) نیز در مقاله‌ای که به بررسی فقهی خلق پول پرداخته‌اند، عملیات خلق پول توسط بانک‌های تجاری را مصداقی از اکل مال به باطل دانسته‌اند. ایشان در توضیح اکل مال به باطل بودن عملیات خلق پول چنین بیان می‌دارند:

... خلق پول مشمول عنوان اکل مال به باطل می‌باشد؛ چرا که در اکل مال به باطل، بنا بر تصریح فقها نیازی نیست که امر باطل، امر منصوص شرعی باشد. درواقع، در صورتی که این باطل عرفاً نیز امری باطل باشد، مشمول این عنوان خواهد بود. در باطل بودن اقدام بانک‌ها نیز بیان کردیم که در فرایند خلق پول، بانک‌ها امری را که مابازای حقیقی نداشته و از هیچ خلق شده به مردم تملیک می‌کنند و در عوض محاصل کار و تلاش ایشان را که مالیت دارد، از ایشان می‌ستانند (عالی‌پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۶، ص ۹۱).

به‌طور خلاصه محورهای که از نظر ایشان موجب می‌شود تا خلق پول بانک اکل مال به باطل باشد، به‌صورت ذیل قابل خلاصه است:

– ناتوانی بانک‌ها در پاسخگویی به مشتریان در هجوم بانکی، مانع از بازگرداندن امانت است و در نتیجه اکل مال به باطل است (عالی‌پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۶، ص ۸۱).

– بانک‌ها یک سری اعداد موهوم، خیالی و پوچ را وام می‌دهند و این اکل مال به باطل است (عالی‌پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۶، ص ۸۲).

– فرایند خلق پول، با توجه به اینکه منجر به تورم و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود، منجر به بازتوزیع درآمد گشته و ثروت حقیقی بخشی از مردم را به نفع بانک‌ها کاهش می‌دهد که اکل مال به باطل است (عالی‌پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۶، ص ۸۶).

همچنین خوش‌نقش (۱۴۰۰) در مقاله‌ای خلق پول بانکی را مصداقی از اکل مال به باطل دانسته است. تبیین وی از اکل مال به باطل بودن عملیات خلق پول توسط بانک چنین است:

... وام‌گیرنده با پرداخت اقساط وام خود که در اصل اعتبار و تعهدی بیش نبوده است، موجب افزایش اموال بانک و قدرت خلق پول آن می‌شود. به عبارت دیگر، وام‌گیرنده به وسیله وام مشارکتی که در اصل دینی بر ذمه بانک بوده است، اقدام به معامله می‌کند و در عوض به پرداخت اقساط و سود وام می‌پردازد. پس می‌توان گفت در اینجا نیز بانک به میزان وام و سود آن به دارایی‌ها و قدرت خلق پول خود می‌افزاید بدون آنکه معوضی داده باشد؛ زیرا وام‌گیرنده صرفاً با جابجایی تعهد بانک اقدام به عملیات تجاری کرده است... (خوش‌نقش، ۱۴۰۰، ص ۸۹).

وی ایراد دیگری به فرایند خلق پول وارد می‌کند که عبارت است از دین بودن پول و باطل بودن برخی عقود و معاملات از طریق آن. درواقع اشکال اکل مال به باطل بودن خلق پول را به ماهیت دین بودن پول ارتباط می‌دهد و به این دلیل که پول دین است، عملیات خلق پول اکل مال به باطل است.

همچنین محققان و دیگران (۱۴۰۱) معتقدند که از ابعاد متعددی خلق پول توسط بانک تجاری ممنوع و حرام است. نتیجه تحقیق ایشان آن است که خلق پول مصداقی از اکل مال به باطل است (محققان و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۲۱۷). در تبیین دقیق‌تر به این موضوع اشاره کرده‌اند که بانک با خلق پول، اقدام به اکل مال در مقابل هیچ می‌کند؛ یعنی بی‌آنکه مالی را بدهد، مال مردم را تملک می‌کند که به نظر ایشان اظهر مصادیق اکل مال به باطل است (محققان و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۲۰۸).

۳-۴. غصبی بودن خلق پول

عالی‌پناه و تاج لنگرودی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای که به بررسی فقهی خلق پول پرداخته‌اند، عملیات خلق پول توسط بانک‌های تجاری را مصداقی از غصب دانسته‌اند. ایشان در توضیح اطلاق عنوان غصب بر عملیات خلق پول چنین بیان می‌دارند:

... ارکان چهارگانه غصب در خلق پول نیز به چشم می‌خورد. در توضیح باید بیان داریم که به محض اینکه مشتری مبلغ خود را پرداخت نموده و به حساب بانک منظور می‌شود، عرفاً استیلا بر این مال صدق می‌نماید. در خصوص مال بودن آنچه از سوی مشتری به بانک پرداخت می‌شود نیز نباید تردید روا داشت؛ چراکه این مبلغ به پشتوانه کار و دسترنج سپرده‌گذار که مالیتی حقیقی دارد در اختیار بانک قرار گرفته است. در خصوص شرط سوم مبنی بر تعلق این مال به غیر نیز نیازی به توضیح ندارد. لیکن در خصوص تحقق شرط چهارم مبنی بر عدوانی بودن تصرف بانک باید اظهار داریم که عدوان هنگامی محقق می‌شود که متصرف با علم به غیرمستحق بودن خود در مالی که متعلق به دیگری است، تصرف نماید. دلیلی که می‌توان در خصوص علم بانک‌های تجاری به غیرمستحق بودن

خود نسبت به این مال اقامه نمود، این است که بانک‌های تجاری خود به این امر اشراف دارند که به مردم امری موهوم را تملیک نموده‌اند؛ چراکه اگر اعتباراتی که برای مشتریان لحاظ نموده‌اند، مالیت داشت، در نقل و انتقال وجوه میان خود نیز از همان اعتبارات استفاده می‌کردند. حال آنکه بانک‌های تجاری در تعاملات مالی میان خود هرگز از این نوع پول‌ها استفاده نمی‌کنند، بلکه تنها از ذخایر موجود نزد بانک مرکزی بهره می‌برند؛ ضمن اینکه بانک‌ها به این مطلب التفات دارند که عامه مردم در بازپرداخت این وجوه، نه مشابه بانک‌ها و از روی کلاهبرداری، بلکه با تلاش و دسترنج این مبالغ را فراهم می‌نمایند و بانک‌ها در قبال تملیک هیچ به سپرده‌گذاران حق دست‌اندازی به اموال ایشان را ندارند. بنابراین به نظر می‌رسد در تحقق عدوانی بودن تصرف بانک‌ها نیز تردید روا نباشد (عالی‌پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۶، ص ۹۱-۹۲).

۳-۵. نقض عدالت در خلق پول

مشابه آنچه که توسط دانشمندان مالی متعارف بیان گردید، برخی محققان مالی اسلامی نیز به عدم رعایت عدالت در خلق پول بانک‌های تجاری اشاره داشته‌اند و از ابعاد متعددی این فرایند را در تعارض با عدالت اجتماعی در نظر گرفته‌اند که استدلال ایشان در این خصوص به شرح ذیل است:

– در ساختار پولی کنونی، پول‌های خلق‌شده به نفع اقتصادهای قوی و تبعیض علیه شرکت‌های کوچک و افراد فقیر، با اولویت وام‌گیرندگان بزرگ‌تر داده می‌شود؛ زیرا بانک‌ها به‌طور طبیعی در اعطای وام به ظرفیت بازپرداخت وام و درجه اعتبار وام‌گیرنده که تابعی از دارایی و ثروت است، توجه دارند. این موضوع شرایطی را ایجاد می‌کند که در آن ثروتمندان ثروتمندتر و فقرا فقیرتر شوند (صمصامی و کیان‌پور، ۱۳۹۴، ص ۱۲۴).

– خلق پول توسط بانک‌های تجاری منجر به تنزل ارزش منابع پولی مردم از طریق تورم می‌شود. بنابراین خلق پول بیش از همه، به نفع اولین دریافت‌کنندگان آن است. اولین کسی که از پول نفع می‌برد تولیدکننده آن و در مرحله بعد عرضه‌کنندگان کالا و خدمات به‌وسیله آن هستند، اما به تدریج با ظاهر شدن آثار تورمی از قدرت خرید پول کم می‌شود و افرادی که در انتهای زنجیره قرار دارند به‌ویژه آنهایی که این پول به آنها نمی‌رسد، بازندگان هستند؛ زیرا درحالی‌که باید قیمت زیاده‌تری بپردازند، اما درآمد اسمی آنها اصلاً افزایش نمی‌یابد (صمصامی و کیان‌پور، ۱۳۹۴، ص ۱۲۵).

– در ساختار پولی کنونی، بانک‌ها از طریق سپرده‌های مشتق‌شده، خلق پول را زیاد می‌کنند و بر روی آنها نرخ بهره را به‌دست می‌آورند. این نشان‌دهنده توزیع مجدد غیرقابل توجیه از عموم به سهام‌داران بانک است. با این بیان، سازوکار کنونی خلق پول منجر به تمرکز ثروت واقعی نزد تعداد معدودی از افراد می‌شود، و این خلاف دستور قرآن است که می‌فرماید: «نباید مداری در بین ثروتمندان در بین شما تشکیل شود» (حشر: ۷). لذا خلق پول توسط بانک‌های تجاری با وجود سازوکار کنونی مردود است و معنا ندارد (صمصامی و کیان‌پور، ۱۳۹۴، ص ۱۲۵).

۳-۶. دین بودن ماهیت پول

یکی از موضوعات مهم در خلق پول توسط بانک تجاری، تعیین دین بودن یا عین بودن پول است. ضروری است که به این پرسش پاسخ داده و این دوگان را حل کرد که آیا ماهیت پول عین است یا دین؟ به بیانی شفافتر، چنانچه پول دین باشد بسیاری از معاملات و عملیاتی که توسط بانک صورت می‌پذیرد، مانند قرض الحسنه، مضاربه و مشارکت با اشکال شرعی مواجه می‌شود (خوش‌نقش، ۱۴۰۰، ص ۶۱). به‌طور مشخص، در قرارداد یا تسهیلات بر مبنای مضاربه چنانچه پول اعطایی دارای ماهیت دین باشد، عملیات مضاربه از لحاظ شرعی باطل است و نمی‌توان چنین عقدی را بر مبنای دین منعقد ساخت. با این بیان، چنانچه پول خلق یا ایجادشده دین باشد، عملیات بانکی مبتنی بر عقود اسلامی نمی‌تواند صورت پذیرد و اساساً خلق پول نمی‌تواند وجهه شرعی پیدا کند؛ چراکه نمی‌تواند مبنای قرارداد باطل باشد.

از طرف دیگر، چنانچه پول عین تلقی شود، ایرادات مزبور مرتفع می‌شود و امکان عقد قراردادهای متعدد بر مبنای پول‌های ایجادشده فراهم می‌شود و می‌تواند خلق پول شرعی باشد.

۳-۷. سایر اشکالات به خلق پول توسط بانک‌ها

برخی از پژوهشگران حوزه مالی اسلامی مشابه آنچه که نظریه‌پردازان مالی متعارف بیان کردند، معایب و پیامدهای نامطلوبی را برای خلق پول برشمرده‌اند و عناوین کلی را در رد خلق پول بانکی بیان کرده‌اند که الزاماً ذیل عناوین مشخص فقهی قرار نمی‌گیرد که ذیلاً اشاره می‌شود.

۳-۷-۱. بی‌ثباتی اقتصادی

خلق پول موجب بی‌ثباتی اقتصادی می‌شود. بی‌ثباتی ناشی از خلق پول در دو بخش مجزا قابل ارزیابی است (مصصامی و کیان‌پور، ۱۳۹۴، ص ۱۲۳):

الف) بی‌ثباتی ذاتی نظام بانکی: بانک در صورت درخواست هم‌زمان سپرده‌گذاران در بازپس‌گیری سپرده، و نیز به علل اقتصاد کلان در وضعیتی قرار می‌گیرد که قادر به پاسخگویی سپرده‌گذارانش نخواهد بود. در این صورت ورشکستگی بانک‌ها امری حتمی خواهد بود. از سوی دیگر، چنانچه بانک‌ها به خاطر کسب سود یا حمایت دولت (که در مواقع بحران‌ها صورت می‌گیرد) ذخایر کمتری نگه دارند، نظام مالی ممکن است در شرایطی قرار گیرد که بحران بانکی از یک بانک به کل نظام بانکی و نظام مالی سرایت کند و تمام این عوامل امکانی را فراهم می‌آورد که در مجموع نظام بانکی در وضعیت مستعد فروپاشی قرار گیرد؛

ب) چرخه‌های رکود و رونق: هنگامی که رکود اقتصادی، اقتصاد را در معرض تهدید قرار می‌دهد، مشتریان بانک می‌کوشند بدهی پرداخت نکنند و یا - دست کم - وام‌های خود را کم کنند و می‌کوشند مصرف خود از وام‌های موجود را به تعویق بیندازند که این به کاهش عرضه پول منجر می‌شود و یا حداقل سرعت رشد آنها (عرضه پول) را کم می‌کند؛ از این‌رو سطح قیمت‌ها کاهش می‌یابد و به‌صورت مارپیچ روبه پایین می‌رود و گاهی شدت حرکت

مارپیچ روبه پایین منجر به رکود شدید می‌شود. خلق پول جدید منجر به سقوط شدید در اشتغال، فروش، سود، سرمایه‌گذاری و ارزش دارایی (مانند خانه) می‌شود. هنگامی که این وضعیت به رونق اقتصادی تبدیل شود، این روبه برمی‌گردد و افراد مشتاق به قرض گرفتن برای سرمایه‌گذاری می‌شوند؛ از این رو با قرض گرفتن، عرضه پول در گردش و به تبع آن ارزش دارایی‌ها زیاد و به مارپیچ روبه بالا منجر می‌شود. رونق بیش از حد اقتصاد منجر به افزایش نرخ بهره می‌شود و به تبع آن وام‌گیری کاهش می‌یابد؛ از این رو از افزایش مقدار قابل توجه پول در جریان جلوگیری می‌شود. در این شرایط بانک‌های تجاری به‌طور طبیعی به سود بالایی می‌رسند. آنها ضد چرخه رفتار می‌کنند، نه مطابق چرخه (افزایش اعتبار در طول دوره رونق و کاهش آن در طول دوره رکود). در نهایت بی‌ثباتی اقتصادی با اهداف نظام مالی اسلامی ناسازگار است و لذا خلق پول توسط نظام بانکی در نظام مالی اسلامی پذیرفته نمی‌شود.

۲-۷-۳. کاهش رشد اقتصادی

سازوکار کنونی خلق پول توسط نظام بانکی در جهت ممانعت از رشد اقتصادی عمل می‌کند؛ زیرا بانک‌ها برای به‌دست آوردن سود بیشتر، در فعالیت‌های پرریسک و سرمایه‌گذاری‌های بی‌فایده اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ در نتیجه وام‌دهی و ایجاد پول جدید به‌جای اینکه در سرمایه‌گذاری پایدار باشد، به سمت املاک و سفته‌بازی هدایت می‌شود که عواقب زیان‌باری برای جامعه دارد. خلق پول همراه بهره است و معمولاً بهره هزینه طرح سرمایه‌بر را بیشتر می‌کند و در نتیجه از رشد اقتصادی ممانعت می‌کند. همچنین خلق پول توسط نظام بانکی همراه با تخریب بی‌رویه محیط زیست است که نتیجه بهره‌برداری بیش از حد منابع برای پرداخت بهره‌های خلق پول توسط نظام بانکی است و این مانع رشد پایدار است. بی‌تردید باید ساختار نظام اقتصادی اسلامی، به‌ویژه ساختار مالی در این نظام، به‌گونه‌ای سامان یابد که موجب همسویی رشد و عدالت گردد؛ از این رو سازوکار کنونی خلق پول توسط نظام بانکی که در جهت بدتر کردن وضع افراد فقیر و متوسط جامعه عمل می‌کند، باید به نظامی تبدیل شود که توانایی این عمل از وی ساقط گردد (صمصامی و کیان‌پور، ۱۳۹۴، ص ۱۲۵).

۳-۷-۳. بی‌ثباتی در قیمت‌ها

به‌طور کلی می‌توان به ثبات قیمت‌ها (کنترل تورم) به‌عنوان یکی از هدف‌های سیاست کلان اقتصادی نظام مالی اسلامی اشاره کرد. تجربه تاریخی نشان می‌دهد بیشترین نوسان پولی، چه به‌صورت تورم شدید و یا کاهش ناگهانی در سطح عمومی قیمت‌ها به سبب رکود و کساد، از سده بیستم میلادی به این سو، پیامدهای بحران‌های بانکی بوده است. عرضه پول توسط بانک‌ها و تورم حاصل از آن به این معناست که ارزش واقعی سپرده کاهش می‌یابد و این به‌معنای آن است که نمی‌توان دستورهای خداوند در آیات ۸۴ و ۸۵ سوره هود را اطاعت کرد. آنجا که می‌فرماید: «... از پیمانانه و ترازو نکاهید... پیمانانه و ترازو را به‌طور کامل و با عدل و انصاف بسنجید و هنگام سنجیدن و پیمانانه کردن کالاهای مردم، از آنها نکاهید».

با این بیان، سازوکار کنونی خلق پول توسط نظام بانکی که تشدیدکننده تورم است، در نظام مالی اسلامی پذیرفته شده نیست (صمصامی و کیانپور، ۱۳۹۴، ص ۱۲۶).

۴-۷-۳. عدم ایفای تعهد

نظام بانکی از طریق صدور وعده‌های بازپرداختی بیشتر از ذخایر نقدی به خلق پول اقدام می‌کند. اگر تمام افراد برای دریافت سپرده‌های خود به بانک‌ها هجوم آورند - شبیه آنچه در دوران رکود، در برخی از کشورها صورت گرفت و یا به صورت محدود در برخی مؤسسه‌های مالی کشور ایران صورت گرفته است - بی‌شک نظام بانکی قادر به عمل به تعهدات خود نخواهد بود (صمصامی و کیانپور، ۱۳۹۴، ص ۱۲۲). با این بیان، خلق پول توسط بانک‌های تجاری برخلاف این اصل اسلامی عمل می‌کند و لذا از نظر اسلام این عملیات ممنوع و مردود است.

۴. ارزیابی اشکالات به خلق پول توسط بانک تجاری

ارزیابی ایرادات در خصوص خلق پول نشان می‌دهد که اشکال‌کنندگان در بسیاری از موارد، فروض خلق پول توسط بانک را تغییر داده‌اند و یا شرایط خاصی از خلق پول را مورد بررسی قرار داده‌اند. آنچه که ضروری است از منظر فقهی و شرعی مورد ارزیابی قرار گیرد، اصل مفهوم خلق پول توسط بانک تجاری است. طبیعی است در شرایطی ممکن است از خلق پول سوءاستفاده شود که موجب ناترازی بانکی، بی‌ثباتی مالی و افزایش تورم در اقتصاد کشور گردد که ذیل عنوان دیگر شرعی ممنوع و تحریم گردد.

۴-۱. ماهیت خلق پول و قرائت نوین از عملیات خلق پول در بانک تجاری

عدم شناخت صحیح سازوکار خلق پول توسط بانک تجاری یکی از عواملی است که سبب می‌شود تا برخی از دانشمندان و صاحب‌نظران مالی اسلامی و بانکداری اسلامی در تحلیل و ارزیابی عملیات خلق پول و تطبیق آن با قواعد فقهی دچار خطا و نقصان شوند. خلق پول بانک تجاری از هیچ، به معنای آن نیست که بانک هیچ هزینه‌ای برای خلق پول نمی‌کند یا هیچ محدودیتی برای خلق پول ندارد، بلکه به معنای آن است که بانک تجاری برای اعطای تسهیلات و خریداری اموال و سایر پرداختی‌های خود، محدود به سپرده‌گیری نیست. خلق پول توسط بانک تجاری به این معناست که بانک تجاری برای خلق پول نیازی به جمع‌آوری وجوه از سپرده‌گذاران ندارد. به عبارت دیگر، بانک‌ها از طریق خلق پول تأمین مالی می‌کنند؛ به این معنا که از طریق وام دادن، سپرده‌های جدید ایجاد می‌کنند و محدودیت آنها در خلق پول به دلیل ملاحظات سودآوری و پرداخت بدهی صورت می‌پذیرد (Jakab and Kumhof, 2015, pi).

در این خصوص لازم به ذکر است که بانک برای خلق پول یا سپرده بایستی الزامات مقام پولی را مد نظر قرار دهد. به طور مشخص، نسبت‌های نظارتی مانند کفایت سرمایه محدودیت بسیار مهمی در عملیات خلق پول توسط بانک‌های تجاری است که مقام پولی (بانک‌های مرکزی و شرکت‌های ضمانت یا بیمه سپرده) پس از تعیین آن، نسبت به رصد

آن اقدام می‌کنند. در صورتی که نسبت‌های مزبور توسط بانک تجاری رعایت نشود، از ادامه خلق پول آنها ممانعت به عمل می‌آید. همچنین یکی از ابعاد بسیار مهم برای درک و شناخت عملیات خلق پول توسط بانک‌های تجاری، ارتباط آن بانک مرکزی و ترازنامه آن بانک است. تجهیز منابع مالی در قالب سپرده‌ها و خروج سپرده‌ها به شکل مستقیم بر دارایی بانک تجاری نزد بانک مرکزی اثرگذار است و می‌تواند دلالت‌های جدی در بازار بین‌بانکی برای بانک تجاری ایجاد کند (مک لی و دیگران، ۲۰۱۴). با این بیان، عملیات خلق پول بانک تجاری دارای فرایندها و سازوکارهای بسیار پیچیده حقوقی، مالی و حسابداری است و نمی‌توان آن را عملیاتی پوچ و پول حاصل از آن را بی‌پشتوانه برشمرد، چنانچه برخی پژوهشگران قائل به آن هستند.

۴-۲. ارزیابی ربوی بودن عملیات خلق پول توسط بانک تجاری

استدلال قائلان به ربوی بودن عملیات خلق پول توسط بانک‌های تجاری آن است که در خلق پول مانند عملیات ربوی پول از هیچ به وجود می‌آید و مابازایی ندارد. این قرائت از ربا و تطبیق آن بر خلق پول صحیح نیست؛ چراکه ربا در سه حالت پدید می‌آید (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۴۱-۵۴۲؛ موسویان، ۱۳۸۶، ص ۷۲): ۱. ربای قرضی؛ ۲. ربای معاملی؛ ۳. ربای در ازای تمدید قرارداد قرض.

سازوکار خلق پول توسط بانک تجاری منطبق با سه عقد یا قرارداد مزبور نیست. مضاف بر این، بیان شد که خلق پول از هیچ به این معنا نیست که خلق پول هیچ محدودیت و هزینه‌ای برای بانک تجاری ندارد و آن می‌تواند تا بی‌نهایت نسبت به خلق پول اقدام کند، بلکه بانک تجاری در ازای خلق پول به هر روشی که باشد (مانند اعطای تسهیلات، اعطای سود سپرده و یا خریداری دارایی‌های مالی و غیرمالی)، کفایت سرمایه خود را درگیر می‌کند و نمی‌تواند تا بی‌نهایت و بی‌ضابطه نسبت به آن اقدام کند. به بیان دیگر، مابازای پول ایجادشده توسط بانک تجاری که در اختیار اشخاص حقیقی و حقوقی قرار می‌گیرد، کفایت سرمایه بانک تجاری را کاهش می‌دهد. کفایت سرمایه‌ای که مورد پایش و رصد بانک مرکزی (مقام تنظیم‌گر و ناظر شبکه بانکی) محسوب می‌شود. با این بیان، ادعای ربوی بودن عملیات خلق پول توسط بانک تجاری نمی‌تواند مورد قبول واقع شود.

۴-۳. ارزیابی ضرری بودن عملیات خلق پول توسط بانک تجاری

به دلیل قهری نبودن علت بین خلق پول و وجود ضررهای ناشی از آن نمی‌توان خلق پول را ضرری دانست. خلق پول مانند استفاده از ابزارهایی است که ممکن است منجر به ضرر شوند. برای مثال به مجرد کاربرد چاقو در قتل، حرمت استفاده از آن مستفاد نمی‌گردد؛ زیرا ممکن است برای سایر امور مفید به کار رود. فایده و ضرر خلق پول نیز بستگی به دیگر شرایط اقتصادی، تنظیم‌گری و نظارتی دارد و نمی‌توان ضرر و ضرار را نتیجه طبیعی و ذاتی خلق پول در نظر گرفت (اکبری و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۵۳-۱۵۴).

۴-۴. ارزیابی اکل مال به باطل بودن عملیات خلق پول توسط بانک تجاری

پاسخ به اشکال قائلان به اکل مال به باطل بودن فرایند خلق پول در قالب محورهای ذیل قابل بیان است:

– چنانچه تسهیلات پس از اعتبارسنجی و امکان‌سنجی دقیق و به‌طور کارا به بخش واقعی و تولیدی اقتصاد جریان یابد، خود منجر به رشد تولید می‌شود و در نتیجه اثر تورمی کاهش و حتی خنثی می‌شود (اکبری و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۵۵)؛ همچنین چنانچه عرضه کالا و بهره‌وری تولید بالا باشد، می‌تواند به کاهش تورم نیز منجر شود.

– خلق پول توسط بانک تجاری که در ترازنامه بانک‌ها و به تبع آن در ترازنامه اشخاص حقیقی و حقوقی (شرکت‌ها) درج می‌گردد، صرفاً اعداد موهومی و بی‌خاصیتی نیستند. اینکه ثبت و ضبط پول در اقتصاد به‌صورت اعداد دیجیتالی صورت می‌پذیرد، نمی‌تواند به معنای بی‌ارزش بودن پول و موهومی بودن آن باشد. عرف و عقلا در تمامی کشورها و در ادوار زمانی مختلف، از پول‌ها برای عوض معاملات، پرداخت بدهی‌ها و پرداخت مالیات (بدهی‌ها به دولت) استفاده می‌کنند. با این بیان نمی‌توان پول را که بنابر دلائل فنی مانند تسریع و تسهیل در انجام معاملات به‌صورت دیجیتالی طراحی شده است را مصداقی از پوچی و موهومی و در نهایت اکل مال به باطل دانست.

– بیان می‌شود که خلق پول از هیچ است و مابازایی ندارد و لذا این سازوکار باطل و مصداقی از اکل مال به باطل است. ضروری است همان‌طور که پیشتر اشاره شد، خلق پول توسط بانک تجاری کفایت سرمایه بانک را درگیر می‌کند و آن را کاهش می‌دهد؛ همچنین چنانچه خلق پول از سازوکار اعطای تسهیلات بانکی باشد و تسهیلات‌گیرنده پس از دریافت وام آن را از بانک خارج کند (سپرده خود را منتقل کند)، به همان میزان از ذخایر بانک تجاری نزد بانک مرکزی کاهش می‌یابد (مک‌لی و دیگران، ۲۰۱۴)، و در صورت استمرار برداشت سپرده‌ها از بانک، بانک تجاری را با وضعیت عدم توانایی مالی و توقف (ورشکستگی و تصفیه) مواجه می‌سازد؛ لذا خلق پول توسط بانک تجاری امر بی‌ضابطه‌ای نیست و نسبت‌های مالی و نظارتی بانک را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

– باطل بودن در قاعده اکل مال به باطل را باطل عرفی در نظر گرفته‌اند و خلق پول توسط بانک تجاری را عرفاً باطل دانسته‌اند. در این خصوص، پرسش آن است که کدام عرف این فرایند را باطل دانسته است؟ اجماعی از عرف متخصص و متشرع نسبت به بطلان خلق پول توسط بانک تجاری وجود ندارد؛ همچنین عرف متخصص و غیرمتشرع (در کشورهای غیراسلامی) همان‌طور که در ابتدای پژوهش اشاره گردید، خلق پول را باطل ندانسته‌اند و قائل به مزایا و پیامدهای مثبت آن برای نظام اقتصادی هستند؛ اگرچه ممکن است در شرایطی، آثار و پیامدهای منفی نیز در کنار پیامدهای مثبت برای اقتصاد ایجاد کند.

۴-۵. ارزیابی غصبی بودن عملیات خلق پول توسط بانک تجاری

به‌منظور پاسخ به این اشکال ضروری است موارد ذیل مدنظر قرار گیرد:

۱. بیان شده است که تصرف بانک تجاری عدوانی است؛ زیرا بانک تجاری می‌داند که نسبت به اموال سپرده‌گذاران غیرمستحق است و امر موهومی را تملیک کرده است. ضروری است در ابتدا غیرمستحق بودن بانک تجاری اثبات شود و ثانیاً نفس خلق پول در نظام بانکی بدون ربا را باید از تخلفات و کژکارکردهای اجرایی آن جدا نمود (اکبری و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۵۲).

۲. در جایی اشاره شده است که بانک هیچ‌گاه از پول‌ها استفاده نمی‌کند و فقط از ذخایر بانک نزد بانک مرکزی بهره‌مند می‌شود. پاسخ آن است که سپرده‌های آحاد مردم نزد بانک تجاری در سمت چپ ترازنامه در بدهی‌ها ثبت می‌شود و در سمت راست ترازنامه ذیل ذخایر بانک تجاری نزد بانک مرکزی ثبت می‌گردد. لذا منبع اصلی ذخایر بانک‌های تجاری نزد بانک مرکزی سپرده‌هایی است که از آحاد مردم و اشخاص حقوقی جذب می‌کند. همچنین در صورتی که خروج سپرده‌ها از بانک‌ها شدت یابد، ذخایر نزد بانک مرکزی به شدت کاهش می‌یابد که بانک تجاری موظف است این ذخایر را افزایش دهد که این مهم یا از طریق استقراض ذخایر از بازار بین‌بانکی و یا از طریق قرض‌گیری از بانک مرکزی (با نرخ بسیار بالا) صورت می‌پذیرد. با این بیان، بانک تجاری در عملیات خود از جمله عملیات خلق پول نیازمند به منابع مالی یا پول‌هایی است که از سپرده‌گذاران جذب می‌کند و این ادعا که بانک تجاری تنها از ذخایر نزد بانک مرکزی بهره‌مند می‌شود، صحیح نیست و مطابقتی با عملیات بانکی ندارد.

۴-۶. ارزیابی نقض عدالت در خلق پول توسط بانک تجاری

استدلال قائلان به نقض عدالت در فرایند خلق پول توسط بانک تجاری مبتنی بر حالت خاصی از خلق پول است و به ماهیت اصلی خلق پول اشاره نمی‌کند. به بیان شفاف‌تر، ایشان حالت خاصی از خلق پول را عنوان می‌کنند که در آن معیارهایی از جمله نظارت، کنترل و تنظیم‌گری بر خلق پول بانک تجاری از طرف مقام ناظر و تنظیم‌گر پولی صورت نمی‌گیرد و در این حالت، بانک تجاری بی‌ضابطه نسبت به خلق پول اقدام می‌کند. در این حالت به دلیل آنکه نقدینگی در اثر افزایش خلق پول افزایش می‌یابد و افزایش نقدینگی زمینه افزایش تورم را فراهم می‌کند؛ لذا مردم و شرکت‌ها در اثر تورم متضرر می‌شوند. این پیامدها - همان‌طور که اشاره شد - در شرایط خاصی پدید می‌آید و نتیجه قطعی خلق پول نیست. هماهنگی نظام تولیدی در یک کشور با نظام پولی و مالی آن، در کنار نظارت و تنظیم‌گری مناسب شبکه بانکی، سبب می‌شود تا آثار نامطلوب خلق پول توسط بانک‌های تجاری پدید نیاید. تورم بسیار پایین در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته جهان (با نظارت و تنظیم‌گری پولی پیشرفته) با وجود نظام بانکی و خلق پول توسط آن، گواهی بر این ادعاست. در صورتی که خلق پول بانک‌های تجاری بدون ضابطه صورت پذیرد، پیامدهای مزبور و بی‌عدالتی در نظام اقتصادی پدید خواهد آورد که به نظر از منظر شارع مقدس - که عدالت یکی از اصول آن است - مردود و ممنوع باشد.

۴-۷. ارزیابی ذین بودن پول در خلق پول توسط بانک تجاری

ضروری است در ابتدا به دو مفهوم کلیدی عین و ذین از منظر فقهی اشاره کرد. امام خمینی رحمه الله ذین را «مال کلی که ذمه شخصی به یکی از دلائل به آن مشغول است»، تعریف کرده‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۶۸۸). اشتغال ذمه ممکن است به دلائل اختیاری و یا به دلائل قهری صورت گرفته باشد (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۶۸۸). همچنین ذین را مال کلی ثابت بر ذمه شخص برای دیگری تعریف کرده‌اند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۶۷۹؛ اصفهانی، ۱۳۸۰، ص ۴۶۵). صاحب جواهر بر خلاف نظر امام خمینی رحمه الله ذین را اعم از مال دانسته است و عدم انجام یا رعایت تکالیف الهی (اعم از تکالیف مالی) را نیز مشمول اشتغال ذمه و ذین دانسته است. به‌عنوان نمونه عدم ادای نماز را موجب ذین و اشتغال ذمه می‌داند (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۸، ص ۲۹۹). فقها در باب ذین مطالب متعددی را بیان کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، ذین می‌تواند حال و یا موجل (زمان‌دار) باشد. در ذین حال، مدیون بایستی دین را ادا کند و در دین موجل یا زمان‌دار مدیون بایستی در زمان مشخصی دین خود را ادا کند و دائن حق مطالبه را ندارد (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۶۸۸). از طرف دیگر، فقها به مقوله عین نیز پرداخته‌اند. عین معانی مختلفی دارد که یکی از معانی آن در برابر ذین قرار دارد که موضوع این بخش از پژوهش است. عین بودن بیشتر در ابواب فقه‌الاقتصاد و به‌خصوص باب بیع مورد تأکید فقها قرار گرفته است. به‌طور مشخص، مراد از عین، هر مالی است که تعین و مابازای خارجی دارد. عین می‌تواند جزئی باشد یا کلی، کلی در معین باشد و یا کلی در ذمه (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۶۵). همچنین در قانون نیز عین مورد توجه حقوق‌دانان بوده است. به‌عنوان نمونه ماده ۳۳۸ قانون مدنی بیع را چنین تعریف کرده است: «بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم». دقیقاً این تعریف مطابق با تعریف امام خمینی رحمه الله در کتاب بیع است (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۱). در باب‌های دیگر فقهی و حقوقی نیز به فراخور بحث عین مطرح شده است. به‌عنوان نمونه، در باب رهن، قانون مدنی چنین بیان دارد: «رهن دین و منفعت باطل است و مال مرهون باید عین معین باشد. رهن اسکناس و سهام بی‌نام شرکت‌ها و اسناد در وجه حامل صحیح است، ولی رهن اموال غیرمادی مثل حق اختراع و حق سرقتی صحیح نیست». از نظر حقوق‌دان‌ها موضوع رهن بایستی عین معین باشد و نمی‌توان ذین را رهن داد. ملاک ایشان از عین بودن مادی بودن است؛ چراکه در مفهوم مخالف عین چنین بیان می‌کنند که رهن اموال غیرمادی صحیح نیست. این ماده قانونی مثال‌هایی را برای هر کدام ذکر می‌کند. به‌طور مشخص، اسکناس (پول) و سهام بی‌نام شرکت‌ها را مصداقی از عین می‌داند که رهنش صحیح است و حق اختراع و سرقتی را به دلیل مادی نبودن صحیح نمی‌داند. به نظر می‌رسد که مثال‌ها و قرائت‌های ایشان از عین بودن با شرایط فعلی که علم پیشرفت کرده است و امکان در رهن گذاشتن اشیا و دارایی‌های غیرمادی نیز وجود دارد، صحیح نباشد؛ مضاف بر اینکه در بازارهای مالی، امروزه - بر خلاف گذشته - سهام شرکت‌ها وجود خارجی ندارد و مالی غیرمادی محسوب می‌شود

که با سامانه‌های الکترونیکی امکان رهن یا توثیق آن وجود دارد و صورت می‌پذیرد. در هر حال، عین را می‌توان «جزئی خارجی» معنا کرد.

حال پرسش آن است که سپرده‌های بانکی که ناشی از عملیات بانکی زیاد یا کم می‌شود، ذین است یا عین؟ ضروری است مجدداً تأکید شود که سپرده‌های بانکی نوعی پول محسوب می‌شوند. به بیان دیگر، سپرده‌های بانکی توسط اقتصاددانان پول شناخته می‌شود و بسته به میزان نقدشوندگی آن در دسته‌های مختلفی قرار می‌گیرند. به‌طور مثال، سپرده‌های دیداری با M1 نشان داده می‌شود (M ابتدای واژه پول (Money) است). با این بیان و به‌طور خلاصه، اقتصاددانان سپرده‌ها را نوعی پول محسوب می‌کنند و خود پول محسوب می‌شود (WHITE, 2023, p32 & 70)؛ لذا سپرده ادعایی بر پول نیست، بلکه عین پول و نوعی از آن است و لذا پول، عین محسوب می‌شود و اشکالات وارد بر ذین بودن پول در روابط فقهی بانکی صحیح به نظر نمی‌رسد. نکته‌ای که در اینجا مطرح است، این است که در تشخیص عین بودن سپرده یا پول باید به عرف کارشناس مالی و اقتصادی و متخصص رجوع کرد یا به عرف عموم مردم؟ امام خمینی ره معتقد به عرف کارشناس و نظر تخصصی هستند؛ به‌طوری‌که در عرفی‌ترین موضوعات مانند «فلس» در ماهی مرجعیت متخصص را می‌پذیرند (علیدوست، ۱۳۸۶، ص ۲۶۸-۲۶۹). آیت‌الله علیدوست معتقدند که در موضوعات تخصصی مانند سود و ربح یا خسران و ضرر برخلاف مفهوم و مصادیق روشنی که دارد، در برخی موارد نیازمند دقت است و داوری را به افراد غیرمتخصص واگذار کردن، قضاوت خواستن از کسی است که از دانش لازم برای داوری برخوردار نیست (علیدوست، ۱۳۸۶، ص ۷۲-۷۳)؛ از این‌رو عرف کارشناس و خبره را معتبر می‌داند. لازم به ذکر است که برخی از فقها این دوگان (دوگان عین یا ذین بودن) در خصوص پول را نپذیرفته‌اند و قائل به تفصیل شده‌اند. درواقع، به دلیل ذو وجوه بودن پدیده پول و سپرده‌های بانکی نمی‌توان آن را صرفاً در یکی از این دو دسته تقسیم‌بندی کرد، و پول و سپرده بانکی می‌تواند از وجهی ذین باشد و از وجه دیگری عین باشد. به‌طور مشخص، آیت‌الله سند بحرینی معتقد است که پول در سطح کلان خود بدهی دولت است (دین است) و در سطح خرد که تداول میان مردم است، عین محسوب می‌شود (سند بحرینی، ۱۴۲۸ق، ص ۵۴۸).

۴-۸. ارزیابی سایر اشکالات خلق پول توسط بانک تجاری

مشابه آنچه که در پاسخ به اشکال نقض عدالت در خلق پول توسط بانک تجاری اشاره شد، سایر اشکالات مانند بی‌ثباتی اقتصادی، کاهش رشد اقتصادی و عدم ایفای تعهدات بانک در شرایطی رخ می‌دهد که ضابطه و اصولی بر سازوکار خلق پول بانکی وجود نداشته باشد، و این پیامدها ملازم با خلق پول بانک تجاری نیست و ذات آن محسوب نمی‌شود. در بسیاری از کشورهای پیشرفته که خلق پول توسط بانک‌های تجاری صورت می‌پذیرد، پیامدهای منفی اشاره‌شده در نظام اقتصادی به وجود نیامده است.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

خلق پول توسط بانک تجاری یکی از موضوعات مهمی است که دانشمندان و پژوهشگران مالی متعارف و مالی اسلامی بدان پرداخته‌اند. برخی از ایشان موافق خلق پول و برخی مخالف با خلق پول توسط بانک تجاری هستند. ذیلاً نظرات موافقان و مخالفان خلق پول فارغ از رویکرد متعارف و اسلامی اشاره می‌گردد.

موافقان خلق پول توسط بانک تجاری

- تأمین مالی و برطرف کردن نیازهای مالی بخش‌های مختلف اقتصاد (اشخاص حقوقی) و اشخاص حقیقی.
- کمک به رشد اقتصادی.
- کمک به ایجاد و رشد کارآفرینی در اقتصاد.
- تسهیل تجارت داخلی و خارجی شرکت‌ها.
- کمک به رشد تولید و اشتغال.
- محل مهم درآمد بانک تجاری و عامل سودآوری آن.

مخالفان خلق پول توسط بانک تجاری

- افزایش نقدینگی و به تبع آن افزایش تورم در اقتصاد.
- بی‌ثباتی اقتصادی و مالی.
- افزایش سفته‌بازی در بازارهای مالی و اقتصادی.
- زمینه‌سازی بی‌عدالتی در اقتصاد.
- علل شرعی یا فقهی مشتمل بر ربوی بودن، ضرری بودن، اکل مال به باطل بودن، غصبی بودن، دین بودن پول و غیرشرعی بودن عملیات مطابق آن، عامل بی‌عدالتی در اقتصاد اسلامی.
- پژوهش حاضر پس از تبیین استدلال مخالفان خلق پول توسط بانک تجاری، به بررسی و ارزیابی آن پرداخت. استدلال‌های مطرح‌شده در مخالفت یا لزوم ممنوعیت خلق پول به یکی از دو دلیل ذیل از نظر این پژوهش مردود است و نمی‌تواند مبنایی برای رد اصل خلق پول توسط بانک تجاری باشد:
- ۱. عدم شناخت کامل نسبت به رویکرد نوین به خلق پول توسط بانک تجاری؛
- ۲. در نظر گرفتن شرایط خاصی از خلق پول توسط بانک تجاری و عدم توجه به اساس و ذات آن.
- مصاحبه با خبرگان حوزه اقتصاد و مالی اسلامی نشان می‌دهد که اصل و ذات خلق پول مغایرتی با شرع ندارد، اما در صورتی که معیارهای ذیل رعایت نشود، خلق پول توسط بانک تجاری می‌تواند مشمول عناوین مختلف شرعی مغایر با شرع تلقی شود که با این بیان، خلق پول بانک تجاری ممنوع و غیرشرعی است.
- ۱. خلق پول بانک تجاری مبتنی بر سیاست‌ها و مقررات مقام ناظر و تنظیم‌گر پولی (بانک مرکزی)؛

۲. به تأمین مالی بخش واقعی (کمک به عرضه کالاها و خدمات و اشتغال) اقتصاد بینجامد (ارتباط بخش پولی با بخش واقعی اقتصاد که منجر به تورم در اقتصاد نشود)؛
۳. خلق پول بانک تجاری نظارت‌پذیر و شفاف باشد و پاسخ‌گویی داشته باشد؛
۴. خلق پول در بخش‌های مولد اقتصاد صورت پذیرد و از خلق پول در بخش‌هایی که موجب تخریب تولید یا آسیب به آن می‌شود، اجتناب گردد؛
۵. از تمرکز بر خلق پول در یک یا چند بخش از اقتصاد اجتناب شود و در بخش‌های مختلف اقتصادی بر اساس میزان رشد اقتصادی به‌ارمغان آورده خلق پول صورت پذیرد؛
۶. از آنجاکه پول ابزار اقتصادی عمومی است، خلق پول باید به منفعت عمومی منجر شود و از تداول پول میان عده و بخش‌های خاص اجتناب شود؛
۷. خلق پول که از روش‌های متعددی از جمله اعطای تسهیلات صورت می‌پذیرد، باید ضوابط و اصول شرعی مانند ربوی نبودن را رعایت کند.



منابع

قرآن کریم.

قانون مدنی.

اصفهانی، ابوالحسن (۱۳۸۰). *وسيلة النجاة (مع تعليقات الإمام الخميني)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ❀
اکبری، محمود و دیگران (۱۳۹۹). ابعاد اقتصادی فقهی پدیده خلق پول از منظر بانکداری اسلامی. *پژوهش نامه میان رشته‌ای فقهی*، ۲(۳)، ۱۳۵-۱۶۴.

خوش‌نقش، هادی (۱۴۰۰). خلق پول از دیدگاه امامیه و با نگاهی به قوانین موضوعه. *جستارهای فقهی و اصولی*، ۲۲، ۵۹-۹۶.
سند بحرینی، محمد (۱۴۲۸ق). *فقه المصارف و النقود*. قم: مکتبه فک.
صمصامی، حسین و کیان‌پور، فرشته (۱۳۹۴). بررسی امکان خلق پول توسط نظام بانکی در نظام مالی اسلامی. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۱۳، ۱۰۹-۱۳۰.

عالی‌پناه، علیرضا و تاج‌لنگرودی، محمدحسن (۱۳۹۶). بررسی فقهی خلق پول به‌وسیله بانک‌های تجاری. *پژوهش نامه میان رشته‌ای فقهی*، ۲(۵)، ۶۵-۹۴.

علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۶). *فقه و عرف*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

محققیان، مهدی و دیگران (۱۴۰۱). تأملی در حکم فقهی خلق پول. *آموزه‌های فقه مدنی*، ۱۴(۲۶)، ۱۹۷-۲۱۸.

موسویان، سیدعباس (۱۳۸۶). نظریه‌های بهره و ربا. *اقتصاد اسلامی*، ۲۷(۲)، ۶۷-۱۰۰.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۱ق). *کتاب البیع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ❀

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۲). *تحریر الوسیله*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ❀

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۱۵ق). *کتاب البیع*. قم: جامعه مدرسین.

نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

هاشمی شاهرودی، سیدمحمود (۱۳۸۷). *فرهنگ فقه فارسی*. قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی.

Blair, M. M. (2012). Making Money: Leverafe and Private Sector Money Creation. *Seattle UL Rev*, 36, 417-454.

Blanchard, Olivier, Amighini, Alessia, Giavazzi, Francesco (2010). *Macroeconomics: a European perspective (1rd ed.)*. Pearson. ISBN ISBN: 978-0-273-72800-9.

Deutsche Bundesbank (2017). *The role of banks, non-banks and the central bank in the money creation process*, Monthly Report.

Dietsch, P. (2021). Money creation, debt, and justice. *Politics, Philosophy & Economics*, 20(2), 151-179.

Festré, Agnès and Nasica, Eric (2009). Schumpeter on money, banking and finance: An institutionalist perspective, *European Journal of the History of Economic Thought*.

Hook, A. (2022). Examining modern money creation: An institution-centered explanation and visualization of the “credit theory” of money and some reflections on its significance. *The Journal of Economic Education*, 53(3), 210-231.

Hossain, M. S., Abdul Latiff, A. R. and Hisham Bin Osman, M. N. (2022). Money creation and commercial banks’ money lending activity through the accounting treatment: stakeholders’ perceptions in Malaysia. *Qualitative Research in Financial Markets*, 14(5), 657-678.

- Huber, J. (2014). Modern money theory and new currency theory. A Comparative Discussion. *Real-World Economics Review*, 66, 38-57.
- Jakab, Zoltan and Kumhof, Michael (2015). *Banks are not intermediaries of loanable funds - and why this matters*, bank of England, Working Paper No. 529, 1-57.
- Khalfaoui, H. and Derbali, A. (2021). Money creation process, banking performance and economic policy uncertainty: evidence from Tunisian listed banks. *International Journal of Social Economics*, 48(8), 1175-1190.
- McLeay, Michael, Radia, Amar and Thomas, Ryland (2014), *Money creation in the modern Economy*.
- Michail, Nektarios (2021). *Money, Credit and Crises: Understanding the Modern Banking System*, published by Palgrave.
- Moe, Thorvald Grung (2018). *Financial Stability and Money Creation: A Review of Morgan Ricks: The Money Problem*" Accounting, Economics, and Law: A Convivium, Vol. 8, No. 2, 1-16.
- Pitrou, C. (2015). *Graph representation of balance sheets: From exogenous to endogenous money*, IAP, CNRS, France, UPMC, Univ Paris 6, France.
- Rule, Garreth (2015). Understanding the central bank balance sheet, bank of England.
- Ryan-Collins, J., T. Greenham, R. Werner, and A. Jackson (2012), *Where does money come from?* London: New Economics Foundation.
- SEO, Takashi (2023). Towards the reconstruction of Schumpeter's credit theory of money -Wicksell, Hahn, and the monetary circuit. *discussion paper series*, 076, 1-23.
- Stellinga, B., de Hoog, J., van Riel, A. & de Vries, C. (2021). *The History of Money Creation. In Money and Debt: The Public Role of Banks (p 47-81)*. Cham: Springer International Publishing.
- Werner, R. (2014). *Can banks individually create money out of nothing – The Theories and the Empirical Evidence*. *International Review of Financial Analysis*.
- White, Lawrence H. (2023). *Better Money: Gold, Fiat, or Bitcoin?*, First published by Cambridge University Press.
- www.ecb.europa.eu